



## تبیین رابطه تعاملات همسایگی و حس تعلق به فضاهای مابین در

### مجموعه‌های مسکونی (مطالعه موردی دو مجموعه مسکونی در تهران)

دکتر محمدصادق فلاح<sup>۱</sup>، صونا تاجیل رو<sup>۲\*</sup>

۱- دانشیار گروه معماری دانشگاه زنجان، زنجان دانشگاه زنجان safalahat@znu.ac.ir

۲- دانشجوی دانشگاه زنجان، زنجان، دانشگاه زنجان s.tajilrou@znu.ac.ir

#### چکیده:

مجموعه‌های مسکونی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین عملکردها در عرصه معماری، می‌توانند شکل دهنده‌ی رفتار ساکنان و روابط بین آنها در پیوندهای اجتماعی باشند. اما با افزایش سریع شهرنشینی و صنعتی‌شدن نحوه زندگی بسیاری از مردم تغییر کرده و حمایت‌های اجتماعی همسایگان از همدیگر در گذشته، امروزه وجود ندارد. درحالی‌که حمایت‌ها و تعاملات همسایگان، سرمایه‌های اجتماعی هر محیط هستند که زمینه بهبود زندگی جمعی را فراهم می‌آورند. از طرفی ساختمان‌های مسکونی و معماری فضای مثبت همواره مورد توجه معماران بوده است ولیکن به همان اندازه هیچ‌گاه فضای منفی باقی‌مانده مورد توجه نبوده است. این فضای بینابینی همواره درملاحظه ثانویه قرار دارد و این درحالیست که این فضا بستر اصلی وقوع پیوندهای همسایگی است. دراین میان احساس تعلق مکانی نقطه تلاقی عناصر کالبدی، ساختارهای اجتماعی و مفاهیم ذهنی است. به همین دلیل توجه به نقش آن در تعاملات جاری در محیط‌های مسکونی، ضروری است. مطالعه‌ی کنونی باهدف کشف ارتباط میان تعاملات همسایگی و حس تعلق ساکنان به فضاهای مابین و ویژگی‌های کالبدی این فضاها برای تبدیل شدن به بستر تعاملات، انجام گرفته و در پی رسیدن به راهکارهای کالبدی برای ارتقاء این تعاملات و به دنبال آن ارتقاء کیفیت سکونت است. به لحاظ روش، این پژوهش در زمره تحقیق‌های آمیخته‌ی کمی و کیفی است. در بخش کیفی، تحلیل داده‌ها توسط مشاهدات میدانی و به صورت ثبت قرارگاه رفتارهای تعاملی درفضاهای مابین و مشترک مجتمع‌ها، براساس رفتارهای تعاملی غالب ساکنین انجام شده است. در بخش کمی توسط پیمایش پرسشنامه‌ای، میزان حس تعلق ساکنان به فضاهای مابین در محل سکونتشان و ویژگی‌های کالبدی این فضاها و کیفیت تعاملات آنها با همسایگانشان و فضاهای مورد استفاده برای این تعاملات مورد ارزیابی قرار گرفته و نتایج تحلیل داده‌ها به صورت کمی ارائه شده است. روند پژوهش براساس این فرضیه تدوین گردیده که ویژگی‌های کالبدی فضاهای مابین بر احساس تعلق ساکنان اثرگذار بوده و تعاملات همسایگی بیشتردر بخش‌هایی از فضاهای مابین اتفاق می‌افتد که ویژگی‌های بستر فیزیکی آنها تعلق مکانی را درساکنان برمی‌انگیزد. نتایج به دست‌آمده از آزمون فرضیه و تحلیل داده‌ها حاکی از وجود رابطه دوسویه بین کیفیت تعاملات همسایگی و احساس تعلق ساکنان به فضاهای مشترک و مابین بوده و همچنین ابعاد زیبایی‌شناسی و دید منظر و وجود مبلمان مناسب موثرترین ویژگی‌های کالبدی این فضاها ارزیابی شدند.

واژه‌های کلیدی: فضای مابین، مجموعه‌های مسکونی، تعاملات همسایگی، تعلق مکانی